طهران

جناب ادیب علیه بهآء اللّه الابهی

هو اللّه

الهی الهی هذا عبدک المتذلّل بباب احدیّتک المتبتّل الی ملکوت رحمانیّتک المتضرّع الی جبروت فردانیّتک مستدرّاً من ثدی عنایتک مستمطراً من غمام موهبتک مصطلیاً من نار محبّتک تراه یا الهی یعلو منه الضّجیج و یفور من قلبه الاجیج خوفاً من شئون الهوی و سطوة النّفس الامّارة بالسّوء الدّاهیة الدّهماء و یناجیک و هو محترق القلب و الحشا من الم النّوی ربّ ربّ احرسه بعین عنایتک و احفظه بسلطان کلائتک و ادخله فی صون حمایتک و احفظه عنکلّ ما هو دون رضاک مصوناً فی حماک مرعیّاً بعین رعایتک محمیّاً بعظیم وقایتک ناطقاً بثنآئک ناشراً لنفحاتک مبیّناً لبرهانک خادماً لعتبتک معلیاً لکلمتک ساجداً لصفوتک ماجداً بین بریّتک اللّهمّ اجعل کلّ شئونه شأناً واحداً و اذکاره ذکراً واحداً و همّته همّاً واحداً مبلّغاً لامرک سرمداً انّک انت المقتدر العزیز المهیمن الکریم المعین الرّحیم الرّحمن

ای بندهٔ آستان دلبر ابهی جمیع شئون را فراموش نما و بتبلیغ امر اللّه بکوش تا تأییدات جنود ملکوت ابهی را متتابعاً مترادفاً متوالیاً مشاهده فرمائی و از جمیع غموم و هموم آزاد شوی و علیک التّحیّة و الثّنآء ع ع

این سند از کتابخانهٔ مراجع بهائی دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۲۴ مه ۲۰۲۶، ساعت ۱۱:۰۰ قبل از ظهر